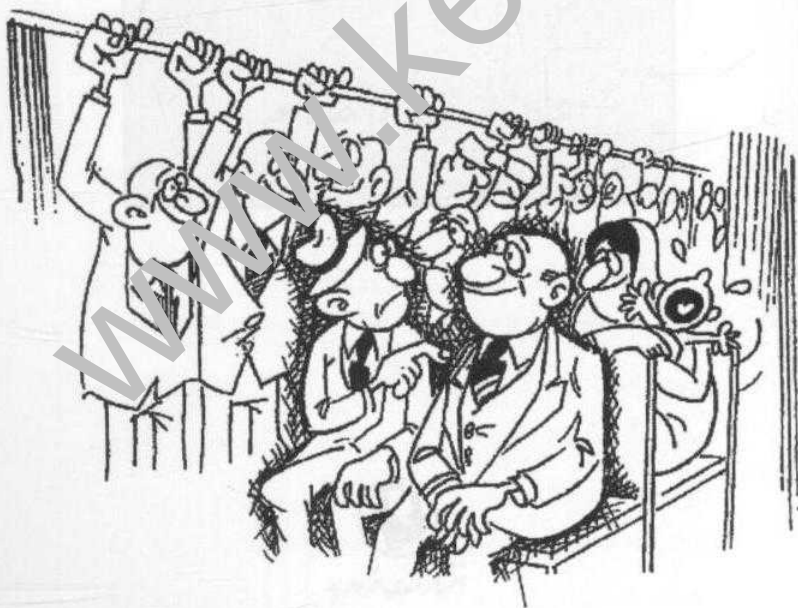


مجموعه داستان‌های کوتاه فکاهی و طنزآمیز

دکتر عباس توفیق

# رفعتا...



سرشناسه: توفیق، عباس، ۱۳۱۳-  
عنوان و نام پدیدآور: آدم محتاط/ مجموعه داستان کوتاه فکاهی و طنزآمیز  
عباس توفیق  
مشخصات نشر: تهران: مروارید، ۱۳۹۵.  
مشخصات ظاهری: ۱۸۰ ص.: مصور.  
شابک: 978-964-191-451-8  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا  
موضوع: داستان‌های طنزآمیز فارسی - قرن ۱۴ - مجموعه‌ها  
موضوع: طنز فارسی - قرن ۱۴ - مجموعه‌ها.  
رده‌بندی کنگره: PIR ۴۳۱۷/ت۹۱۴ ۱۳۹۵  
رده‌بندی وی: ۸۱۴/۶۲۰۸  
ماره کتاب‌سازی ملی: ۴۲۰۴۶۷۳



مروارید

تهران، خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، پلاک ۱۱۸۸/ ص. پ. ۱۶۵۴-۱۳۱۴۵  
دفتر: ۰۲۷-۶۶۴۸۴۰۲۷ / فکس: ۰۲۷-۶۶۴۸۴۰۲۷ / فروشگاه: ۰۲۷-۶۶۴۶۷۸۴۸  
<https://instagram.com/morvaridpub> / <https://t.me/morvaridpub>  
[www.morvaridpub.com](http://www.morvaridpub.com)

## آدم محتاط

(مجموعه ۲۲ داستان کوتاه فکاهی و طنزآمیز)

دکتر عباس توفیق

گردآوری: عمران صلاحی

کاریکاتوربست‌ها: غلامعلی لطیفی، کامبیز درم‌بخش، ناصر پاکشیر، سنا حسین‌پور

تولید فنی: الناز ایللی

صفحه‌آرایی: تینا حسامی

چاپ اول ۱۳۹۵

چاپخانه: کارنگ

تیراژ ۲۲۰۰

شابک: 978-964-191-451-8 ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۱-۴۵۱-۸

۱۲۰۰۰۰ ریال



## فهرست

|    |                           |
|----|---------------------------|
| ۷  | چند کلمه پیش از...        |
| ۱۱ | «بچه جوادی» ما            |
| ۱۳ | «روزنامه‌ی توفیق» چه بود  |
| ۳۱ | دیباچه                    |
| ۳۹ | دمب گربه                  |
| ۴۴ | پیشین قویروغو             |
| ۵۱ | آدم‌های کره‌ی خاک         |
| ۶۷ | کی خون مردم را کثیف کرده؟ |
| ۶۸ | پرتقال کجاست؟             |
| ۶۹ | بهشت گناهکاران            |
| ۷۷ | روح همکاری!               |
| ۸۳ | نامه‌ای به خدا            |
| ۸۷ | سفینه‌ی فضایی مه‌جین      |

- عشق و قابلمه ..... ۹۷
- کسی که حسرت یک درد بی درمان را می کشید ..... ۱۰۷
- میخجی پا ..... ۱۱۳
- روزی که مردها کُرج شدند! ..... ۱۱۹
- ملت شیردل! ..... ۱۳۰
- سگ ارباب ..... ۱۳۵
- کلید ..... ۱۴۲
- سحر مریز با کثافت و دود هوا! ..... ۱۴۶
- هم نیت ..... ۱۵۴
- کار فوری ..... ۱۶۰
- آدم محتاط ..... ۱۶۶
- خائن! ..... ۱۷۲

چند کلمه پیش گفتار



آنچه در این کتاب خواهید یافت، گزینهای از داستانهای کوتاه متنوع فکاهی و طنزآمیز نگارنده است که تعدادی از آنها طی سالیان دراز در روزنامه‌ی معروف فکاهی و طنزآمیز «توفیق» در صفحه‌ی «داستان هفته‌ی توفیق» به چاپ رسیده است.

از برخی از این داستان‌ها، مانند داستان «دمب گربه»، آن قدر استقبال شده است که پس از چاپ در روزنامه‌ی توفیق بار دوم در کتابی به همین نام<sup>۱</sup>، بار سوم در کتاب «طنزآوران امروز ایران» تالیف عمران صلاحی و بیژن اسدی‌پور<sup>۲</sup>، بار چهارم پس از انقلاب در همین کتاب توسط انتشارات مروارید<sup>۳</sup>، بار پنجم در کتاب «۵۱ داستان طنز از ۴۰ نویسنده»<sup>۴</sup>، بار ششم به زبان آذری با ترجمه‌ی عمران صلاحی در مجله‌ی «صاحب»

۱. «دمب گربه» با دیباچه‌ی استاد دکتر محمدجعفر محجوب، در سری انتشارات «کتاب توفیق».

۲. توسط «انتشارات نمونه».

۳. این کتاب تاکنون به چاپ هشتم رسیده است.

۴. باز توسط «انتشارات مروارید».

چاپ شده<sup>۱</sup> و در بار هفتم در رادیو به صورت نمایشنامه‌ی رادیوئی درآمد است.<sup>۲</sup> یا داستان منظوم فکاهی «غلام بود بودکی» پس از چاپ در روزنامه‌ی توفیق به صورت نمایشنامه‌ی عروسکی در تلویزیون ملی ایران بخش شده است.<sup>۳</sup> و البته اکثر این‌ها بدون اجازه‌ی نگارنده!

در این جا لازم به ذکر است که داستان دیگر این مجموعه به نام «آدم محتاط» که در زمان هویدا در روزنامه‌ی توفیق چاپ شده بود در سال‌های اخیر بدون ذکر مأخذ و بدون نام نویسنده و متأسفانه به صورت تخریب شده در صدا و سیما اجرا شده است.<sup>۴</sup> یا یکی از بهترین لطیفه‌گویان ایران نیز این داستان طنزآمیز سیاسی را در یکی از نوارهای جوک خود<sup>۵</sup> تحت عنوان «کاشی در اتوبوس با کمال تعجب به صورت بسیار خنکی نقل کرده است».

برخی دیگر از داستان‌های طنزآمیز نگارنده آن قدر تند بوده که سبب توقیف چند هفته‌ای روزنامه توفیق شده و هنوز هم نمی‌شود آن‌ها را چاپ کرد!... و در نتیجه خوشبختانه هیچ‌کس هم آن‌ها را نقل و خراب نکرده که موجب کمال امتنان است!

۱. مجله‌ی «صاحب» چاپ تبریز، ۲۰ اسفند ۱۳۷۶، صص ۸ و ۹ و ۳۰.

۲. رادیو امید به مدیریت ایرج گرگین.

۳. «سیمای ایران» ۱۳۵۷/۱/۱، ساعت ۱۱.

۴. صدا و سیما، کانال ۴، برنامه‌ی «شب‌به‌خیر تهران»، ساعت ۱۱/۳۰ شب، یک‌شنبه ۱۳۷۸/۵/۱۰ (این داستان سیاسی را به این صورت درآورده بودند که در صف اتوبوس مردی را نشان می‌دادند که از بغل دستی‌اش می‌پرسد آیا شما در اداره‌ی برق (؟) هستید؟ آیا شما رئیس هستید؟... آیا... و وقتی بغل دستی‌اش می‌گوید نه، من کارمند هستم، نشان می‌دادند که کارمند پایش را گذاشته روی پای رئیس و رئیس شروع می‌کرد به کتک زدن کارمند!... (به همین لوسی!)

۵. پرویز حساس، نوار جوک «نیلوفر».

فکر تجدید چاپ این داستان‌های طنزآمیز من از همکار عزیزم در روزنامه‌ی توفیق شادروان عمران صلاحی بود. شخص او با اجازه‌ی من کار گردآوری، تنظیم و چاپ این کتاب را به عهده گرفت ولی متأسفانه مرگ زودرس به او امان پایان این کار را نداد.

برنامه‌ی بعدی عمران صلاحی نیز این بود که داستان‌ها و مقالات فکاهی و طنزآمیزی را که در روزنامه‌ی توفیق با هم نوشته بودیم به صورت کتابی منتشر کند. امید است فرصت گردآوری و چاپ این‌ها را شخصاً پیدا کنم.

برای گام‌میداشت دوران همکاری صمیمانه‌ی عمران صلاحی با روزنامه‌ی توفیق مقاله‌ای که درباره‌ی عمران در زمان حیاتش نوشته بودم عیناً به نقل از «دفتر هنر»<sup>۱</sup> صفحات بعد می‌آید.



برای آشنایی بهتر و بیشتر خوانندگان این داستان‌ها با روزنامه‌ی توفیق چند صفحه‌ای نگاشته‌ام. گرچه معرفی روزنامه‌ای با نیم قرن انتشار در چند صفحه، «بحر را در کوزه کردن» است ولی کوشیده‌ام در همین چند صفحه ایده‌ای از آن به دست خواننده داد، شرد. در خاتمه، برای جلوگیری از هرگونه سوءتفاهم و اشتباهات اشکالی که خدای ناکرده در چاپ این داستان‌ها پیش آید لازم به تذکر است که این داستان‌ها و انتقادهای به‌عمل‌آمده در آن‌ها - همان‌طور که خود داستان‌ها نشان می‌دهد - تماماً مربوط به دوران گذشته است و هیچ ارتباطی به زمان حال ندارد.

۱. «دفتر هنر» شماره‌ی ۱۹، لوس‌آنجلس، اسفند ۱۳۷۸.

این مقاله بار اول در نشریه‌ی «عاشقانه» هوستون ویژه‌ی عمران صلاحی، کار بیژن اسدی‌پور، دی‌ماه ۱۳۷۳ چاپ شده بود.

امید است تعدادی از این داستان‌ها تبسمی گرچه تلخ به لبان شما  
بیاورد و بقیه‌ی آن‌ها موجب انبساط خاطر شما گردد.

ساعات خوشی را برایتان آرزومندم.

به امید توفیق شما:

عباس توفیق

سائتامونیکا - زمستان ۱۳۹۴

www.ketab.ir